

انضمام شبه‌جزیره کریمه و تحریم‌ها

علی موسائی^۱

عنایت‌الله یزدانی^۲

چکیده

بحران ۲۰۱۴ اوکراین که با فشار روسیه بر این کشور، مبنی بر خودداری از پیوستن به توافق‌نامه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا، آغاز و در نهایت منجر به انضمام شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه شد، تنش میان روسیه و غرب را به دلیل پیامدهای این انضمام و وضع تحریم‌های دو طرف علیه یکدیگر به شدت افزایش داد و روابط را به پایین‌ترین سطح در ۲۵ سال اخیر رساند، به طوری که این افزایش تنش، تضادها و رقابت‌های دوران جنگ سرد را تداعی می‌کند. هدف اصلی پژوهش، پاسخ به این پرسش است که انضمام شبه‌جزیره کریمه توسط روسیه و تحریم‌های متعاقب آن، چه پیامدهایی برای بازیگران دخیل در بحران ۲۰۱۴ اوکراین داشته است؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها با ابزار فیش‌برداری به منابع کتابخانه‌ای از جمله کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، اسناد و منابع معتبر اینترنتی مراجعه شده است. یافته‌های پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل نشان می‌دهند که انضمام شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه و تحریم‌های متعاقب آن، پیامدهای منفی بسیاری برای اوکراین، روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و ناتو در ابعاد مختلف داشته است.

واژگان کلیدی:

شبه‌جزیره کریمه، اوکراین، روسیه، تحریم، اقتصاد سیاسی بین‌الملل.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹

al.mousaei@gmail.com

^۱ دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، ایران

^۲ دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

eyazdan@ase.ui.ac.ir

مقدمه

بحران ۲۰۱۴ اوکراین از زمانی شروع گردید که بر اساس توافق نامه ۲۵ فوریه ۲۰۱۳ بروکسل، یانوکویچ،^۱ رئیس جمهور اوکراین با مقامات اتحادیه اروپا^۲ به توافق رسیده بود تا در جهت موافقت نهایی اتحادیه اروپا برای امضا قرارداد تجارت آزاد میان این اتحادیه و اوکراین، این کشور، اصلاحاتی در دستگاه قضایی، نظام مالی و انتخاباتی خود تا نوامبر ۲۰۱۳ انجام دهد، ضمن اینکه اتحادیه اروپا خواستار گسترش هم‌گرایی و وارد کردن اوکراین در مسائل خارجی و امنیتی خود نیز شده بود. مفادی که در حقیقت زمینه را برای عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا فراهم می‌کرد و در نتیجه تهدیدی جدی علیه امنیت روسیه محسوب می‌شد؛ بنابراین روسیه برای جلوگیری از این تهدید و با فشار به یانوکویچ، وی را مجبور کرد تا برخلاف نظر اکثریت جامعه اوکراین که خواستار عضویت این کشور در اتحادیه اروپا بودند از امضای این توافق نامه خودداری کند. تصمیم یانوکویچ در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ سرآغاز بحران اوکراین بود و موج تظاهرات و اعتصابات را برانگیخت و در عرض سه ماه با کشته و زخمی شدن بسیاری گسترش یافت. در اواسط ۲۰۱۴، دولت‌های فرانسه، آلمان و لهستان تلاش کردند از گسترش بحران جلوگیری و دولت و مخالفان را به مذاکره وادار کنند؛ اما در حالی که این سه کشور در حال رایزنی جهت جلوگیری از گسترش بحران بودند، به‌ناگاه یانوکویچ توسط پارلمان^۳ این کشور خلع و به روسیه گریخت و با تمایل الکساندر تورچینوف^۴، جانشین غرب‌گرای او برای امضای توافق نامه، بحران گسترش یافت و با واکنش روسیه به اشغال شبه‌جزیره کریمه و اقدام در جهت انضمام آن به فدراسیون روسیه روبه‌رو شد.

نیروهای روسیه، شبه‌جزیره کریمه را به‌بهانه حمایت از روس تبارهای این منطقه اشغال و تمام مراکز مهم را به تصرف خود درآوردند. در ۱۶ مارس ۲۰۱۴، بعد از رأی مثبت نمایندگان پارلمان شبه‌جزیره کریمه، همه‌پرسی‌ای که بر اساس قانون اساسی اوکراین غیرقانونی بود در کریمه جهت پیوستن به روسیه برگزار شد و بیش از ۹۶ درصد از واجدان به آن رأی مثبت دادند. در ۲۱ مارس ۲۰۱۴ نیز پس از مصوبه پارلمان روسیه در مورد انضمام شبه‌جزیره کریمه به خاک این کشور و امضای آن توسط ولادیمیر پوتین^۵، رئیس جمهور روسیه، این شبه‌جزیره طبق قوانین روسیه رسماً به فدراسیون روسیه ضمیمه شد. این انضمام به‌شدت از جانب

1. Yanukovich

2. European Union

3. Parliament

4. Alexander Turchinov

5. Vladimir Putin

کشورهای غربی محکوم گردید و با عکس‌العمل غرب (اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا و بازوی اجرایی آن ناتو)^۱ در چهارچوب تحریم بخش‌های مختلف اقتصادی - مالی، نظامی - دفاعی، انرژی، فناوری، صنایع، معادن و تحریم افرادی از روسیه روبه‌رو گردید. این انضمام و تحریم‌های متعاقب آن فصل جدیدی در روابط روسیه و غرب آغاز کرد و روابط به‌نسبت خوب و توأم با همکاری میان غرب و روسیه را که از زمان فروپاشی دیوار برلین آغاز شده بود تا حدود زیادی از میان برد.

با نگاهی به تحقیقات انجام‌شده در زمینه پیامدهای انضمام شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه و تحریم‌های متعاقب آن، به این نکته می‌توان پی برد که تأکید بر روسیه، اوکراین و اتحادیه اروپا بوده و کمتر به پیامدهای این انضمام برای آمریکا و ناتو پرداخته شده است. آثاری هم که پیامدهای این انضمام برای آمریکا و ناتو را بررسی کرده‌اند، عمدتاً نتوانسته‌اند آن را دقیق واکاوی کنند. این مسئله به‌ویژه در بررسی پژوهش‌هایی که به زبان فارسی منتشر شده مشهود است. در ادامه تعدادی از این پژوهش‌ها را مرور می‌کنیم.

تیمچوک^۲ (۲۰۲۰) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «ناتو و امنیت اروپا در شرق: تأثیر درگیری اوکراین و روسیه بر دکترین ناتو و استراتژی اوکراین» به این نتیجه رسیده است که روسیه با انضمام شبه‌جزیره کریمه به خاک خود، توانست خطوط ساحلی خود در دریای سیاه^۳ را به ۱۲۰۰ کیلومتر افزایش دهد که این افزایش به معنی دستیابی به موقعیت غالب نظامی - استراتژیک^۴ در دریای سیاه است. این موقعیت عملاً حضور ناتو در دریای سیاه را تحت‌الشعاع قرار داده و امنیت و توانایی اعضای ناتو مانند بلغارستان و رومانی را به شدت محدود کرده است. علاوه بر این، روسیه با تجهیز ناوگان دریایی خود در کریمه به انواع کشتی‌های جنگی و تجهیزات زمینی و هوایی پیشرفته به عنوان رقیب ژئواستراتژیک^۵ ناتو در این منطقه تبدیل شده است.

زنده‌بودی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «روابط غرب - روسیه در سایه تحولات اوکراین ۲۰۱۴» معتقدند که روابط غرب با روسیه پس از تحولات اوکراین به حدی وخیم شد که صحبت از جنگ سرد جدید به میان آمد؛ زیرا روسیه با اشغال شبه‌جزیره کریمه و کمک به جدایی‌طلبان شرق اوکراین با تحریم‌های هوشمند^۶ قدرت‌های غربی روبه‌رو شد. این تحریم‌ها آثار فلج‌کننده شدیدی بر اقتصاد روسیه داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که روسیه از مقام کشور دارای

^۱. NATO
^۲. Tymchuk
^۳. Black Sea
^۴. Strategic
^۵. Geostrategic
^۶. Smart Sanctions

بیشترین ذخیره ارزی، در حال تبدیل شدن به کشوری مقروض است و نرخ رشد اقتصادی آن طی سه سال گذشته، حدود ۳/۶ درصد افت داشته است.

نلسون^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «تحریم‌های آمریکا علیه روسیه: پیامدهای اقتصادی» که به سفارش کنگره آمریکا^۲ تهیه شده است، عنوان می‌دارد که تحریم‌های آمریکا علیه روسیه اگرچه اثرات منفی بسیاری بر اقتصاد روسیه داشته است؛ اما شرکت‌های آمریکایی فعال در روسیه را نیز تحت تأثیر قرار داده و باعث شده است که این شرکت‌ها با خطر از دست دادن بازار بزرگ روسیه و جایگزینی با رقبای آسیایی به‌ویژه شرکت‌های چینی مواجه شوند.

نیکنامی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «سنجش تأثیر و کارایی تحریم‌ها: مورد تحریم‌های اتحادیه اروپایی علیه روسیه» معتقد است که تحریم‌ها اعمالی اتحادیه اروپا علیه روسیه بعد از شروع بحران ۲۰۱۴ اوکراین نه تنها تبعات فراوانی برای روسیه داشته بلکه برای اتحادیه اروپا نیز پیامدهایی داشته است، به این دلیل که روسیه و اتحادیه اروپا در ابعاد مختلف وابستگی متقابل دارند؛ برای نمونه این تحریم‌ها به لحاظ مالی سبب خروج سرمایه‌های اروپایی و به لحاظ تجاری باعث از دست دادن قسمتی از بازار روسیه شده‌اند. در زمینه انرژی نیز به دلیل وابستگی زیاد اتحادیه اروپا به انرژی روسیه این تحریم‌ها در درازمدت تبعات سنگینی برای اتحادیه اروپا به همراه خواهند داشت.

نکته متمایزکننده پژوهش پیش‌رو این است که سعی دارد با نگاهی جامع، پیامدهای انضمام شبه جزیره کریمه به فدراسیون روسیه و تحریم‌های متعاقب آن را بر تمام بازیگران دخیل در بحران ۲۰۱۴ اوکراین شامل اوکراین، روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و ناتو بررسی کند. برای دستیابی به این هدف، پرسش اصلی این مقاله با بهره‌گیری از رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل بدین گونه طرح شده است: انضمام شبه جزیره کریمه توسط روسیه و تحریم‌های متعاقب آن، چه پیامدهایی برای بازیگران دخیل در بحران ۲۰۱۴ اوکراین داشته است؟ فرضیه مقاله این است که انضمام شبه جزیره کریمه به فدراسیون روسیه و تحریم‌های متعاقب آن، پیامدهای منفی بسیاری برای اوکراین، روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و ناتو در ابعاد مختلف داشته است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها به منابع کتابخانه‌ای از جمله کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، اسناد و منابع معتبر اینترنتی مراجعه شده و ابزار گردآوری داده‌ها نیز فیش برداری است.

^۱. Nelson

^۲. United States Congress

۱. کارایی تحریم از دیدگاه نظریه‌های اقتصاد سیاسی بین‌الملل

تحریم به‌عنوان ابزار فشار در پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشورها همواره در طول تاریخ مورد توجه بوده است، به‌طوری که اولین مستند دربارهٔ استفاده از ابزار تحریم به دوران یونان باستان بازمی‌گردد. اما قرن بیستم را باید سرآغاز حرکتی جدید در استفاده از ابزار تحریم به‌ویژه تحریم‌های اقتصادی در سیاست خارجی کشورها دانست، به‌گونه‌ای که امروزه تحریم به‌ویژه تحریم‌های اقتصادی به‌قدری در سیاست خارجی کشورها استفاده می‌شود که برخی از محققان روابط بین‌الملل از آن به اپیدمی^۱ و جنون تحریم‌ها یاد می‌کنند (ولیزاده، ۱۳۸۷: ۲۷۸). در تعریفی کلی، تحریم عبارت است از مجموعه اقدامات تنبیهی و تلافی‌جویانه علیه یک کشور که شامل محدودیت‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری می‌شود و هدف آن نیز تلاش برای تغییر سیاست یا حداقل اثبات نظر کشور تحریم‌کننده دربارهٔ اقدامات و سیاست‌های کشور تحریم‌شونده است (Carter, 1987: 1172).

پرسشی که همواره در مورد تحریم‌ها ذهن پژوهشگران را به خود مشغول کرده این است که تحریم‌ها تا چه میزان توانسته‌اند اهداف کشورهای تحریم‌کننده را تأمین کنند. در پاسخ به این پرسش، نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران اقتصاد سیاسی می‌گویند برای اینکه تحریم‌ها مؤثر واقع شوند: اول، باید هزینه سنگینی بر کشور زیر تحریم تحمیل کنند و در مقابل، برای کشور تحریم‌کننده نیز نباید هزینه زیادی در بر داشته باشند؛ دوم، کشور تحریم‌کننده باید بتواند فشار اقتصادی را به فشار سیاسی تبدیل کند و از این طریق به اهداف مدنظر خود دست یابد؛ سوم، تحریم‌ها باید از حمایت بین‌المللی برخوردار باشند تا از این طریق نظارت و کنترل بر تحریم‌ها میسر و از نقض تحریم‌ها توسط کشور تحریم‌شده یا کشورهای ثالث جلوگیری شود؛ چهارم، موفقیت و کارایی تحریم‌ها به وجود اپوزیسیون^۲ قوی در داخل کشور تحریم‌شده برای زیر فشار قراردادن دولت حاکم به‌منظور رفع تحریم‌ها بستگی دارد (Oudraat, 2010: 121). از طرف دیگر، این نظریه‌پردازان تأکید می‌کنند که در عصر وابستگی متقابل، تحریم‌ها معمولاً همانند شمشیر دو لبه عمل می‌کنند که یک لبه آن به کشور تحریم‌شده ضربه می‌زند و لبه دیگر آن متوجه تحریم‌کنندگان خواهد شد و اگر میان کشورهای تحریم‌کننده و تحریم‌شونده وابستگی زیادی وجود داشته باشد و همچنین شرایط پیش‌گفته محقق نشوند کشورهای تحریم‌کننده نه تنها به اهدافشان نخواهند رسید، بلکه تبعات و پیامدهای تحریم‌هایی که وضع کرده‌اند دامن خودشان را نیز خواهد گرفت (ولیزاده، ۱۳۹۰: ۳۶۱). رابرت اوکوئین^۳ در همین زمینه

^۱. Epidemic of Sanctions

^۲. Opposition

^۳. Robert O'Quinn

هشدار می‌دهد که «تحریم‌ها، تسلیحاتی مهم در زرادخانه سیاست هستند که باید با حداکثر احتیاط به کار برده شوند؛ زیرا ممکن است آتش این تسلیحات دامن کشورهای تحریم‌کننده را هم بگیرد.» (O'Quinn, 1997: 120) وضعیتی که بعد از انضمام شبه‌جزیره کریمه و تحریم‌های متعاقب آن علیه روسیه توسط اتحادیه اروپا، آمریکا و برخی از کشورهای هم‌پیمان این دو به وجود آمده و پیامدهای منفی بسیاری برای غرب به‌ویژه اتحادیه اروپا به‌همراه داشته است.

۲. تحریم‌های اعمالی غرب و روسیه

با آغاز بحران اوکراین در نوامبر ۲۰۱۳، نوک پیکان اتهامات آمریکا و اتحادیه اروپا متوجه روسیه شد؛ زیرا آن‌ها روسیه را عامل بی‌ثباتی در اوکراین می‌دانستند. پس از انضمام شبه‌جزیره کریمه به خاک روسیه، تنش بین دو طرف به اوج رسید، به‌گونه‌ای که اتحادیه اروپا همراه با آمریکا سلسله تحریم‌های سخت و چندلایه‌ای علیه روسیه وضع کردند که تا امروز ادامه دارند. برخی از کشورهای هم‌پیمان این دو از جمله استرالیا، کانادا، ژاپن، نیوزلند، نروژ و سوئیس نیز تحریم‌هایی علیه روسیه اعمال کرده‌اند. در این راستا، کشورهای مولداوی، گرجستان، مونته‌نگرو، آلبانی، ایسلند و لیختن اشتاین نیز خود را با برخی از اقدامات و تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه روسیه هماهنگ کرده‌اند (European Union External Action, 2021: 2). روسیه نیز در پاسخ به این تحریم‌ها، اقدام به وضع تحریم‌هایی علیه غرب کرده که در جدول زیر به انواع برجسته آن اشاره شده است.

جدول ۱: تحریم‌های اعمالی غرب و روسیه علیه یکدیگر

تحریم‌های روسیه علیه غرب	تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه	تحریم‌های آمریکا علیه روسیه
تحریم تعدادی از مقامات کشورهای تحریم‌کننده.	ممنوعیت سفر و بلوکه کردن دارایی‌های ۱۱۹ فرد و ۲۳ نهاد که در حلقه یاران پوتین قرار داشته‌اند.	تحریم دارایی و ممنوعیت سفر برخی از مقامات.
ممنوعیت واردات مواد غذایی و کشاورزی از آمریکا، اتحادیه اروپا، مونته‌نگرو، ایسلند، لیختن اشتاین، نروژ، کانادا و استرالیا.	تعلیق هرگونه انجام عملیات بانکی جدید از سوی بانک سرمایه‌گذاری اروپا و بانک توسعه و بازسازی اروپا با روسیه، تحریم بازار سرمایه این کشور و کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم.	تحریم تمام بانک‌های بزرگ روسیه که بیش از ۱۰ درصد سهام آن‌ها متعلق به دولت این کشور است.

<p>ممنوعیت صادرات شکلات، سیب‌زمینی، لبنیات و نوشیدنی‌های الکلی به اوکراین.</p>	<p>ممنوعیت صادرات و واردات تجهیزات نظامی، کالاهایی با کاربرد دوگانه و تحریم بخش‌های مختلف دفاعی.</p>	<p>تحریم حوزه‌های نظامی و دفاعی (تعلیق همکاری‌های سرمایه‌گذاری در بخش نظامی، ممنوعیت صادرات محصولات با قابلیت کاربرد دومنظوره و تجهیزات نظامی، تحریم شرکت‌های عمده صنایع دفاعی و صنایع جانبی مرتبط با وزارت دفاع روسیه نظیر آلماز-آنتی^۱، کلاشنیکوف^۲، اورال واگن زاوود^۳ و مجموعه شرکت‌های تولید کشتی).</p>
<p>ممنوعیت صادرات ماشین آلات و کاهش صادرات گاز به برخی از کشورهای تحریم‌کننده.</p>	<p>منع صدور مجوز صادرات برای تجهیزات مرتبط در حوزه انرژی مانند ممنوعیت صادرات محصولات مورد استفاده در آب‌های عمیق و طرح‌های نفت شیل، کاهش واردات گاز و اجتناب از توسعه خط لوله ساوت استریم.</p>	<p>تعلیق همکاری‌های دوجانبه نظیر همکاری در پروژه «کاهش تهدیدات هسته‌ای»، مذاکرات در حوزه دفاع ضد موشکی، مذاکرات در خصوص احداث سامانه‌های دفاع موشکی در محدوده اروپا و همکاری با روسیه در راستای مبارزه با قاچاق موادمخدر و همچنین تعلیق همکاری‌های نظامی و امنیتی ناتو با روسیه.</p>
	<p>ممنوعیت واردات از منطقه کریمه و هرگونه سرمایه‌گذاری در این منطقه.</p>	<p>تحریم شرکت‌های مهم بخش انرژی (شرکت‌های گاز پوم^۴، لوک‌ویل^۵، ترانس نفت^۶، سورگوت نفت گاز^۷، نوواتک^۸، چرنومور نفت گاز و روس نفت^۹) و بخش‌هایی از معادن و</p>

۱. Алмаз-Антей

۲. калашников

۳. Uralvagonzavod

۴. Gazprom

۵. Lukoil

۶. Transneft

۷. Сургутнефтегаз

۸. Novatek

۹. Chornomornaftogaz

۱۰. Rosneft

<p>ممنوعیت دسترسی به بازارهای اتحادیه اروپا و خدمات مربوطه برای برخی از شرکتها و بانکهای اصلی روسیه.</p>	<p>ممنوعیت فروش محصولات و فناوریهای پیشرفته در حوزه استخراج نفت و گاز.</p>
<p>تعلیق برنامه‌های مختلف همکاری نظیر مذاکرات در مورد ویزا و موافقت‌نامه‌های جدید و همچنین تعلیق عضویت روسیه در گروه هشت.</p>	<p>ممنوعیت فعالیت شرکت‌های نفتی آمریکایی در روسیه نظیر شرکت اکسون موبیل^۱ آمریکا.</p>
<p>ممنوعیت فعالیت شرکت‌های نفتی اروپایی در روسیه نظیر شرکت بی پی انگلستان و شرکت استات اویل^۲ نروژ.</p>	

(Congressional Research Service, Portela, 2020, Mokin, 2019)

۳. پیامدهای انضمام شبه‌جزیره کریمه و تحریم‌های متعاقب آن

انضمام شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه و تحریم‌های متعاقب آن برای اوکراین، روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و ناتو پیامدهای گسترده‌ای به همراه داشته است که در ادامه و به تفکیک بررسی خواهند شد.

اوکراین: بحران ۲۰۱۴ بیشترین پیامد و خسارت را برای اوکراین به همراه داشت. در این بحران، اوکراین بخشی از خاک خود را از دست داد و از آنجایی که یکی از منابع اصلی درآمد آن گردشگری است، با ازدست‌دادن شبه‌جزیره کریمه به‌عنوان یکی از مناطق مهم گردشگری خود، اوضاع اقتصادی‌اش که در وضعیت قبل از وقوع بحران هم مناسب نبود، بدتر شد (Ivanov et.al., 2017: 9). همچنین طبق برآوردها، اوکراین با ازدست‌دادن ذخایر انرژی موجود در کریمه، حدود ۴۰ میلیارد دلار ضرر متحمل شده (پرودان، ۱۳۹۳: ۱) و چون از لحاظ اقتصادی به روسیه وابسته است، وضع اقتصادش بدتر هم خواهد شد.

^۱. ExxonMobil

^۲. Statoil

از زمان انضمام کریمه که باعث شد کنترل تنگه کرچ^۱ و دریای آزوف^۲ در دست روسیه قرار بگیرد، خسارات هنگفتی متوجه اوکراین شده است. از ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۱۴، اوکراین کنترل کامل تنگه کرچ و حدود ۷۰ درصد از وسعت دریای آزوف را بر عهده داشت. به طوری که روسیه سالانه حدود ۱۶ میلیون دلار برای اجازه عبور کشتی‌های خود از این تنگه جهت دسترسی به دریای آزوف و دریای سیاه به اوکراین پرداخت می‌کرد. همچنین کنترل تنگه کرچ و دریای آزوف به اوکراین این مزیت را داده بود تا در صورت لزوم اجازه دسترسی کشتی‌های جنگی متعلق به کشورهای و نیروهای ثالث نظیر کشتی‌های جنگی متعلق به ناتو را به دریای آزوف صادر کند (Urcosta, 2018: 10-14). همچنین تنگه کرچ و دریای آزوف از مسیرهای اصلی ترانزیت^۳ کالاهای اوکراینی به اقصانقاط جهان هستند. مسکو از زمان انضمام کریمه به خاک خود، با کارشکنی، توقیف و اعمال تأخیر در ورود و خروج محموله‌های ماهیگیری و باری بین شهرهای ساحلی اوکراین واقع در امتداد دریای آزوف که عمدتاً زغال‌سنگ، فلزات و محصولات کشاورزی هستند، زیان‌های هنگفتی را متوجه اوکراین کرده است، به طوری که تنها پس از احداث پل کریمه توسط روسیه، اوکراین به دلیل محدودیت‌های ارتفاع قوس اصلی پل، ۱۴۴ کشتی تجاری را که از بندرهای ماریوپول^۴ و بردیانسک^۵ محموله‌های خود را بارگیری می‌کردند و نقش مهمی در ترانزیت کالا به‌ویژه صادرات فلز اوکراین داشتند از دست داد که به معنی از دست دادن صادرات سالانه یک میلیون تن فلز است (Kabanenko, 2021: 1). به‌طور کلی، اوکراین از نظر اقتصادی به دریای آزوف وابسته است. ماریوپول و بردیانسک، نه تنها بزرگ‌ترین بندرهای اوکراین بلکه بزرگ‌ترین بندرهای کل دریای آزوف هستند و نقشی اساسی در اقتصاد اوکراین ایفا می‌کنند. اقدامات روسیه که باعث اخلاف در امر ترانزیت کالاهای اوکراینی از این دو بندر شده، خسارات سنگینی از لحاظ اقتصادی به اوکراین تحمیل کرده است.

پیامد دیگر این بحران برای اوکراین، بی‌ثباتی سیاسی بوده که بحران اقتصادی را در این کشور تشدید کرده است؛ زیرا بیشتر بخش‌های صنعتی و کشاورزی اوکراین در مناطق شرقی و جنوبی این کشور واقع شده‌اند و درگیری‌ها در مناطق شرقی اوکراین منجر به نابودی بسیاری از زیرساخت‌های این کشور شده است؛ برای نمونه، بسیاری از صنایع فلزی و معادن زغال‌سنگ که عمدتاً در منطقه دونباس^۶ واقع هستند تخریب شده‌اند که به معنای از دست دادن درآمد‌های

¹. Kerch Strait

². Sea of Azov

³. Transit

⁴. Port of Mariupol

⁵. Port of Berdyansk

⁶. Donbass

حاصل از آن و فشار بیشتر بر اقتصاد این کشور است. کاهش مراودات تجاری میان روسیه و اوکراین و همچنین تحمیل هزینه‌های سنگین نوین‌سازی^۱ صنایع نظامی در جهت قدرتمند کردن ارتش این کشور به‌منظور جلوگیری از تکرار اتفاقات مشابه انضمام کریمه به خاک روسیه بر اقتصاد ضعیف و بحرانی این کشور، از پیامدهای دیگر این بحران بر اوکراین هستند (اعتصامی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۱-۱۰۹).

روسیه: انضمام شبه‌جزیره کریمه منجر به اعمال تحریم‌های گسترده غرب علیه روسیه شد. تحریم‌هایی که پیامدهای منفی بسیاری برای روسیه به‌همراه داشته است. به‌طوری که قبل از وضع تحریم‌ها، روسیه با سهم ۹/۵ درصدی از کل تجارت اتحادیه اروپا، سومین شریک تجاری این اتحادیه بود که با شروع تحریم‌ها این تعاملات تجاری کاهش چشمگیری یافت، به‌گونه‌ای که میزان کل تجارت خارجی اتحادیه اروپا و روسیه که در سال ۲۰۱۳، ۳۱۵ میلیارد یورو بود، بر اثر تحریم‌ها به ۲۳۱ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۹ کاهش یافت (Eurostat, 2019: 1). از لحاظ سرمایه‌گذاری نیز اتحادیه اروپا با ۷۵ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم، مهم‌ترین سرمایه‌گذار در روسیه محسوب می‌شد که با شروع تحریم‌ها رو به کاهش نهاد و به ۶۰ درصد رسید. به‌طور کلی، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در روسیه از ۲۲ میلیارد دلار در ۲۰۱۴ به حدود ۷ میلیارد دلار در ۲۰۱۵ رسید. البته این روند از ۲۰۱۶ معکوس شد و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در روسیه در ۲۰۱۹ به نزدیک ۳۲ میلیارد دلار رسید (Macrotrends, 2020: 1).

تحریم‌ها به جریان خروج سرمایه از روسیه نیز شدت بخشیدند. میزان خروج سرمایه در ۲۰۱۳ و قبل از وضع تحریم‌ها ۵۹/۷ میلیارد دلار بود که این رقم بعد از اعمال تحریم‌ها در ۲۰۱۴ به حدود ۱۵۹ میلیارد دلار و در ۲۰۱۵ به ۱۱۸ میلیارد دلار رسید. البته این روند از ۲۰۱۶ معکوس شد و به ۱۵ میلیارد دلار در آن سال رسید. با تشدید تحریم‌ها این خروج سرمایه دوباره شدت گرفت، به‌طوری که میزان خروج سرمایه از روسیه در ۲۰۱۹ به ۲۷ میلیارد دلار رسید. همچنین میزان نرخ رشد تولید ناخالص داخلی روسیه از ۰٫۷۴ درصد سال ۲۰۱۴ به ۱٫۹۷- درصد در سال ۲۰۱۵ کاهش یافت که البته با مجموعه اقداماتی از سوی کرملین^۲، جلوی این کاهش گرفته شد و به رشد ۱٫۳۴ درصدی در ۲۰۱۹ رسید. در مجموع، تحریم‌ها نرخ رشد اقتصادی روسیه را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است (Ibid). در نگاهی جامع می‌توان گفت که افزایش خروج سرمایه و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی اثرات منفی

^۱. Modernization

^۲. Kremlin

زیادی در فرایند توسعه و رشد اقتصادی روسیه داشته است، به این دلیل که روسیه را از جذب سرمایه، انتقال فناوری^۱ و دانش روز، مهارت‌های مدیریتی، سازمان‌دهی و شبکه‌بازاریابی جهانی محروم کرده و در نتیجه باعث کاهش نرخ رشد اقتصادی و اشتغال، منفی‌شدن تراز پرداخت‌ها و کاهش قدرت رقابت تولیدات روسیه در بازارهای جهانی شده است.

میزان بدهی خارجی روسیه نیز در ۲۰۱۴ به ۶۰۰ میلیارد دلار رسید که این میزان در سال‌های بعد نیز با اندکی کاهش همچنان ادامه داشته است. همچنین این بحران باعث شد تا روسیه از مقام یک کشور دارای بیشترین ذخیره ارزی، تبدیل به کشوری مقروض شود. میزان ذخایر ارزی و طلای روسیه از ۵۰۹ میلیارد دلار اواخر ۲۰۱۳ به ۳۸۵ میلیارد دلار در اواخر ۲۰۱۴ کاهش یافت. فقط در شش‌ماهه نخست سال ۲۰۱۴، ذخایر طلا و ارز خارجی روسیه ۱۰ درصد معادل ۵۲ میلیارد دلار کاهش یافته بود (Bank of Russia, 2020(a): 1). البته از آنجا که کرملین برای جبران و پاسخ به تحریم‌های اعمالی علیه خود، اقدام به ذخیره‌سازی یک‌چهارم از ذخایر رنمینی^۲ جهان در جهت شدت‌بخشیدن به روند دلارزدایی از طریق اتحاد مالی با چین و انجام مراودات بازرگانی با ارزهای داخلی دو کشور کرد و همچنین استراتژی^۳ خرید طلا را به دلیل مسدودن شدن شمش طلا توسط آمریکا برخلاف حساب‌های بانکی، در دستور کار خود قرار داد، میزان ذخایر ارز خارجی و طلای روسیه با رشد چشمگیری روبه‌رو شد، به طوری که در دسامبر ۲۰۲۰ این ذخایر به ۵۹۵ میلیارد دلار رسید (Bank of Russia, 2020(b): 1).

یکی از پیامدهای مهم دیگر تحریم‌ها بر اقتصاد روسیه، کاهش ارزش پول ملی این کشور، روبل^۴ بوده است. پس از تحریم‌ها، بازار سهام، رشد تولید ناخالص داخلی و متعاقب آن ارزش روبل روسیه به شدت کاهش یافت. بازار سهام روسیه با کاهش ۶۰ درصدی در ۲۰۱۴ روبه‌رو شد و متعاقب آن ارزش روبل بیش از ۵۰ درصد کاهش یافت که این روند کاهشی همچنان ادامه دارد. به طوری که در اکتبر ۲۰۲۱ ارزش برابری روبل با دلار و یورو به هر دلار تقریباً ۷۰ و هر یورو ۸۲ روبل رسید (Bank of Russia, 2021: 1). این کاهش ارزش روبل پیامدهای منفی زیادی برای اقتصاد روسیه داشته که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

¹. Technology

². Renminbi

رنمینی، یکای پول رسمی کشور چین و یکای اصلی رنمینی نیز یوان است. فرق میان رنمینی و یوان همانند فرق میان ریال و تومان است.

³. Strategy

⁴. Rouble

الف) یکی از عواقب قابل توجه ناشی از کاهش ارزش روبل، کاهش ۵۰ درصدی سپرده‌گذاری در بانک‌ها توسط مردم روسیه است که به روند کاهش ارزش روبل شدت بخشیده است.

ب) به دنبال سقوط روبل، ضمن خروج شرکت‌های غربی که در بازار روسیه فعال بودند، از فهرست شرکت‌های غربی خواهان سرمایه‌گذاری در روسیه نیز کاسته شده که این امر ناشی از جذابیت نداشتن بازار روسیه برای سرمایه‌گذاران غربی است. سرمایه‌گذاری بانک‌های داخلی در بخش‌های مختلف نیز کاهش یافته است (اعتصامی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۰-۱۱۹).

ج) کاهش روبل باعث شده است تا سرمایه‌گذارانی که بیشترین حساسیت را به افزایش خطر دارند، سرمایه‌های خود را از بازارهای روسیه بیرون آورند و در نتیجه سرمایه‌گذاران خارجی دیگر انگیزه‌ای برای خرید روبل ندارند و حتی روبل‌های خود را تبدیل به ارزهای بازارش کرده‌اند. مردم روسیه نیز برای جلوگیری از کاهش ارزش دارایی‌های خود، به تبدیل کردن روبل به ارزهای معتبر خارجی به‌ویژه دلار و یورو رو آورده‌اند که باعث کاهش بیشتر ارزش برابری روبل در برابر دیگر ارزها شده است (Khokhrin, 2020: 1).

د) نوسانات قیمتی، افزایش نقدینگی به‌علت کسری بودجه و در نتیجه افزایش نرخ تورم و همچنین افزایش نرخ بیکاری از پیامدهای دیگر کاهش ارزش روبل بوده است. پس از اعمال تحریم‌ها که باعث سقوط ارزش روبل شد، نرخ تورم از ۷٫۸ درصد به ۱۵٫۵ درصد و میزان بیکاری نیز به ۵٫۵۷ درصد افزایش یافت (Macrotrends, 2020: 1). بنابراین کاهش ارزش روبل که اقتصاددانان از آن به مرگ خاموش اقتصاد تعبیر می‌کنند، ضربات و خسارات سختی بر پیکر اقتصاد روسیه وارد کرده است.

پیامد دیگر بحران اوکراین بر بخش انرژی روسیه وارد شد. صادرات انرژی همواره مهم‌ترین منبع درآمد و همچنین اهرمی در جهت دستیابی به خواسته‌های روسیه در برابر غرب به‌ویژه اتحادیه اروپا به‌عنوان مهم‌ترین مقصد صادرات انرژی این کشور بوده است. پس از وقوع بحران به‌ویژه انضمام شبه‌جزیره کریمه، اتحادیه اروپا سعی کرده تا وابستگی خود را به انرژی روسیه کاهش دهد، به‌طوری که از ادامه توسعه خط لوله «ساوت استریم»^۱ برای پشتیبانی از اوکراین و تنوع تأمین انرژی خود از سایر تولیدکنندگان اجتناب می‌کند (Stern & Others, 2015: 2). در واقع یکی از پیامدهای مهم انضمام این بوده است که اتحادیه اروپا را به فکر تنوع‌بخشیدن به واردات انرژی و جایگزینی برای انرژی وارداتی از روسیه انداخت، به‌طوری که کمیسیون اروپا فهرستی از ۲۳ پروژه کوتاه‌مدت و بلندمدت را در اواخر ۲۰۱۴ برای این منظور رونمایی کرد که شامل افزایش واردات از نروژ، شمال آفریقا و دریای خزر می‌شوند (شانا، ۱۳۹۳: ۱).

^۱. South Stream Pipeline

شرکت گاز پروم^۱ روسیه در گزارشی پس از اعمال تحریم‌ها در ۲۰۱۴ از کاهش ۱۰ درصدی صادراتش به اروپا نسبت به ۲۰۱۳ بر اثر خودداری کشورهای اروپایی از خرید گاز این کشور خبر داده بود (Graaf & Colgan, 2017: 4) که این کاهش صادرات انرژی به‌عنوان منبع اصلی درآمد روسیه همراه با کاهش قیمت جهانی نفت از اواسط ۲۰۱۴، علاوه بر کاهش درآمدهای دولت و کسری بودجه، باعث برهم‌خوردن تراز تجاری روسیه شد. عواملی که باعث در دستورکار قرار گرفتن سیاست گسترش معاملات نفتی و گازی این کشور با آسیا شد. بر همین اساس، در نوامبر ۲۰۱۴ پیمان جدیدی در مورد انتقال گاز روسیه به چین امضا شد که انتقال ۳۸ میلیارد مترمکعب گاز از روسیه به چین به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار را برای مدت ۳۰ سال در نظر گرفته است (Kuznetsov (a), 2016: 15). در مجموع بحران اوکراین اثرات منفی بر وزن سنتی روسیه در بازار انرژی اروپا داشته که منجر به تغییر موازنه در قدرت چانه‌زنی میان روسیه و اتحادیه اروپا شده است.

شناسایی روسیه به‌عنوان ناقض قوانین بین‌المللی پیامد دیگر این انضمام بوده است. مسکو برای قانونمند نشان دادن اقدامات خود در اوکراین به دکتورین‌های حقوقی^۲ نجات شهروندان در معرض خطر جدی، مداخله بشردوستانه، حق تعیین سرنوشت، دعوت دولت حاکم به حضور نظامی و حق استقلال جمعیتی اقلیت در صورت بروز فاجعه انسانی متوسل شد؛ اما این توجیهاات از منظر حقوق بین‌الملل برای اقدامات روسیه در اوکراین قانع‌کننده نیستند و به‌دلایل زیر مخدوش هستند:

الف) این توجیهاات روسیه که برای حفظ جان روس‌تباران شرق اوکراین و همچنین برای اهداف بشردوستانه مجبور به مداخله نظامی و حمایت از اقدامات استقلال‌جویانه مردم کریمه و انضمام آن به روسیه شده به دو دلیل از منظر حقوق بین‌الملل مخدوش است: اول، روس‌تباران شرق اوکراین، اتباع روسیه محسوب نمی‌شوند تا روسیه با استناد به دکتورین نجات‌به‌دنبال‌رهایی آن‌ها باشد؛ دوم، این افراد زمانی که نیروهای روسیه وارد کریمه شدند، در معرض وقوع فاجعه انسانی قرار نداشتند تا این استدلال‌ها موجه باشند.

ب) مسئله حق تعیین سرنوشت نیز مخدوش است؛ زیرا از منظر حقوق بین‌الملل، قاعده حق تعیین سرنوشت نباید با اصل تمامیت ارضی مغایرت داشته باشد و با توسل به زور و مداخله نظامی نیز این اصل اجراشدنی نیست. دو اصلی که در این انضمام توسط پارلمان کریمه و دولت روسیه نادیده گرفته شدند.

^۱. Gazprom Company

^۲. Legal Doctrines

ج) سومین استدلال مسکو این است که به دعوت رئیس‌جمهور قانونی اوکراین، ویکتور یانوکوویچ، مداخله نظامی در کریمه انجام داده است. از منظر حقوق بین‌الملل از آنجا که یانوکوویچ از طریق قانونی و با رأی پارلمان این کشور از سمت ریاست‌جمهوری خلع شد و دولت موقت نیز قانونی روی کار آمد؛ بنابراین دولت موقت، دولت قانونی اوکراین در آن زمان بود و روسیه باید به درخواست آن مبنی بر خروج نیروهای خود از کریمه، طبق همان استدلال اولیه مبتنی بر درخواست دولت یانوکوویچ برای اعزام نیرو، پاسخ می‌داد و نیروهای خود را از کریمه خارج می‌کرد. پس این توجیه کرملین نیز از منظر حقوق بین‌الملل مخدوش است. حتی اگر یانوکوویچ رئیس قانونی دولت بود و خلع نمی‌شد، او از نظر قوانین داخلی اجازه نداشت از نیروهای بیگانه برای تجزیه سرزمین خود و بروز احتمالی جنگ داخلی و کشتار احتمالی شهروندان خود استفاده کند (جمالی و خامسی پور، ۱۳۹۴: ۳۱-۲۳). با توجه به استدلال‌های مطرح‌شده، تمام توجیهات قانونی روسیه در مورد اقداماتش در اوکراین از منظر حقوق بین‌الملل مخدوش و از نظر اکثریت قاطع کشورهای جهان، روسیه ناقض قوانین بین‌المللی شناسایی شده است. عاملی که به اعتبار بین‌المللی این کشور صدمه بزرگی وارد کرده است و می‌تواند در مراودات بین‌المللی آن مشکل‌ساز باشد.

از پیامدهای دیگر این انضمام و تحریم‌های متعاقب آن می‌توان به واردشدن خدشه به اعتبار^۱ بین‌المللی روسیه به دلیل تعلیق عضویتش در گروه هشت^۲ و مشکلات عدیده در بخش‌های حمل‌ونقل هوایی، خودروسازی و گردشگری اشاره کرد، به‌گونه‌ای که برای ادامه حیات به کمک‌های دولت وابسته شده‌اند.

^۱. Prestige

^۲. Group of Eight (G8)

جدول ۲: شاخص های کلان اقتصادی روسیه در فاصله سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹^۱

شاخص	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)	۰,۷۴	-۱,۹۷	۰,۱۹	۱,۸۳	۲,۵۴	۱,۳۴
تراز تجاری (میلیارد دلار)	۱۳۲,۲۲	۱۰۹,۷۳	۶۶,۲۸	۸۳,۵۲	۱۶۵,۳۰	۱۲۸,۳۷
نرخ تورم (درصد)	۷,۸	۱۵,۵	۷,۱	۵,۱	۹,۲	۴,۴
نرخ بیکاری، میانگین سالانه (درصد)	۵,۱۶	۵,۵۷	۵,۵۶	۵,۲۱	۴,۸۵	۴,۵۹
نرخ روبل در برابر دلار (میانگین سالانه)	۳۸,۵	۶۱,۱	۶۷,۰	۵۸,۳	۶۲,۸	۶۴,۶
نرخ روبل در برابر یورو (میانگین سالانه)	۵۱,۰	۶۷,۹	۷۴,۱	۶۵,۹	۷۴,۰	۷۲,۴
میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی (میلیارد دلار)	۲۲,۰۳	۶,۸۵	۳۲/۵۴	۲۸,۵۶	۸,۷۸	۳۱,۷۸
میزان بدهی خارجی (میلیارد دلار)	۵۹۹,۹۰۱	۵۱۸,۴۸۹	۵۱۱,۷۵۲	۵۱۸,۴۴۵	۴۵۵,۰۷۳	۴۹۱,۴۱۸
بودجه نظامی / دفاعی (میلیارد دلار)	۸۴,۷۰	۶۶,۴۲	۶۹,۲۵	۶۶,۵۳	۶۱,۳۹	۶۵,۴۷
میزان خروج سرمایه از روسیه (میلیارد دلار)	۱۵۹	۱۱۸	۱۵	۳۱	۶۸	۲۷
میزان ذخایر ارزی و طلا (میلیارد دلار)	۳۸۵,۴۶۰	۳۶۸,۳۹۹	۳۷۷,۷۴۱	۴۳۲,۷۴۲	۴۶۸,۴۹۵	۵۵۴,۳۵۹
میزان صادرات گاز (میلیارد دلار)	۵۴,۶۹	۴۱,۷۸	۳۱,۱۹	۳۸,۶۶	۴۹,۱۵	۴۱,۶۳
میزان صادرات نفت (میلیارد دلار)	۱۵۳,۸	۸۹,۶	۷۳,۷	۹۳,۴	۱۲۹,۲	۱۲۱,۴

(Sources: Bank of Russia (a), Macrotrends and Statista (a), 2020)

^۱. به علت شیوع ویروس کووید ۱۹ و تأثیر آن بر اقتصاد کشورهای جهان، از ذکر آمارهای مربوط به سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ در این جدول خودداری شده است.

اتحادیه اروپا: انضمام شبه‌جزیره کریمه و تحریم‌های اعمالی علیه روسیه برای اتحادیه اروپا نیز پیامدهای منفی بسیاری داشته است. این تحریم‌ها به‌نوعی خودزنی به شمار می‌روند؛ زیرا روابط اقتصادی روسیه و اتحادیه اروپا بسیار زیاد است. حجم تجارت خارجی میان آن‌ها در ۲۰۱۳، ۳۱۵ میلیارد یورو بود که اتحادیه را تبدیل به سومین شریک تجاری روسیه کرده بود؛ اما با شروع بحران و اعمال تحریم‌ها، این تعاملات تجاری کاهش چشمگیری یافت، به‌گونه‌ای که حجم تجارت خارجی بین دو طرف به ۲۳۱ میلیارد یورو در ۲۰۱۹ رسید. کاهشی که باعث شده است تا جایگاه سومی اتحادیه اروپا به‌عنوان شریک تجاری روسیه به جایگاه پنجم تنزل یابد (Eurostat, 2019: 1). از لحاظ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز اگرچه اتحادیه اروپا هنوز مهم‌ترین سرمایه‌گذار در روسیه محسوب می‌شود؛ اما با شروع تحریم‌ها سال‌به‌سال از میزان سرمایه‌گذاری مستقیم این اتحادیه در روسیه کاسته شده است، به‌طوری که سهم ۷۵ درصدی سرمایه‌گذاری مستقیم این اتحادیه تا قبل از اعمال تحریم‌ها به ۶۰ درصد در ۲۰۱۹ کاهش یافته است (Khutko, 2020: 1). کاهشی که به‌معنای از دست دادن بازار بزرگ روسیه و در نتیجه زیان‌های اقتصادی گسترده به اتحادیه اروپا بود و اگر این کاهش ادامه یابد، باعث خواهد شد در آینده‌ای نزدیک چین جایگاه این اتحادیه را در مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری در روسیه بگیرد؛ زیرا تحریم‌های غرب باعث شد روسیه به‌دنبال جایگزین و شریکی مطمئن در تجارت و سرمایه‌گذاری باشد تا از این طریق با خنثی کردن تحریم‌ها با غرب مقابله کند. بر همین اساس، چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، بهترین کشوری بود که می‌توانست روسیه را به این هدف برساند. روسیه توانست با گسترش روابط با چین، حجم مبادلات تجاری خود با این کشور را که در ۲۰۱۳، ۸۸ میلیارد دلار بود به ۱۱۰ میلیارد دلار در ۲۰۱۹ برساند و با توافق رهبران دو طرف تا سقف ۲۰۰ میلیارد دلار تا ۲۰۲۴ هدف‌گذاری کند (Hillman, 2020: 1). همچنین تا ۲۰۱۹، چین با سرمایه‌گذاری در ۲۲ پروژه کلان در روسیه، توانسته است بعد از اتحادیه اروپا، رتبه دوم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در روسیه را از آن خود کند که اگر با همین شتاب گسترش روابط میان آن‌ها ادامه یابد در آینده‌ای نزدیک به رتبه اول ارتقا خواهد یافت (Statista, 2020(b): 1). روسیه یکی از دارندگان بزرگ منابع گاز و نفت جهان است و همواره مقصد سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ نفتی غربی نظیر بی.پی. انگلستان^۱، اکسون موبیل آمریکا^۲ و استات اویل نروژ^۳ بوده است. شرکت‌هایی که قراردادهای بلندمدتی نیز با

^۱. British Petroleum (B.P) Company

^۲. Exxon Mobil Corporation

^۳. Statoil Company

روسیه داشتند؛ اما بعد از تحریم‌ها جای خود را به شرکت‌های متعلق به آسیای شرقی به‌ویژه چینی دادند و ضرر هنگفتی متحمل شدند (Kuznetsov (b), 2016: 83).

قبل از تحریم‌ها، اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین صادرکننده محصولات کشاورزی و غذایی به روسیه بود و در سال ۲۰۱۳، ۱۵/۲ میلیارد دلار به روسیه صادرات داشت؛ در واقع 73 درصد از محصولات وارداتی ممنوع‌شده توسط روسیه، توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا تأمین می‌شد و بیشترین ضربه را نیز از این قضیه استونی، لیتوانی، لتونی، اسلواکی، فنلاند، فرانسه، چک و تا حدودی آلمان متحمل شده‌اند (Moret et.al., 2016: 14).

روسیه تقریباً یک‌سوم از نیازهای هیدروکربنی^۱ اتحادیه اروپا را تأمین می‌کند، به‌طوری که چهارده کشور اروپایی بیش از ۵۰ درصد از گاز مصرفی خود را از روسیه وارد می‌کنند. در این میان فنلاند، اسلواکی، بلغارستان، استونی و لتونی برای تأمین انرژی خود به واردات از روسیه وابستگی کامل دارند (Rodríguez et.al., 2020: 5)؛ بنابراین تحریم‌ها برای این کشورها تأثیر عکس داشته است و مناسبات تجاری و ضربات و خساراتی که این تحریم‌ها به اتحادیه اروپا زده، باعث شکاف میان اعضای اتحادیه در نحوه برخورد با روسیه شده است، به‌طوری که بحران اوکراین کشورهای اتحادیه اروپا را به دو اردوگاه تقسیم کرده است، کشورهایی که با روسیه پیوندهای اقتصادی گسترده دارند و از این تحریم‌ها ضررهای زیادی متحمل می‌شوند، مایل نیستند فشار بیشتری بر روسیه وارد شود و در مقابل کشورهایی که با روسیه مناسبات تجاری گسترده ندارند، خواهان فشار بیشتر بر این کشور هستند. بر این اساس، شکاف میان اعضای اتحادیه اروپا در نحوه برخورد با روسیه، پیامد دیگر بحران اوکراین برای اتحادیه اروپا بوده است.

ایالات متحده آمریکا: ایالات متحده آمریکا نیز از پیامدهای بحران ۲۰۱۴ اوکراین در امان نمانده است. یکی از این پیامدهای مهم، به چالش کشیده شدن هژمونی^۲ این کشور بر جهان بوده است. هدف بلندمدت و کلان آمریکا در قبال روسیه جلوگیری از قدرت‌یابی و بازگشت به عظمت دوران شوروی است که سعی کرده این هدف را از طریق گسترش ناتو به سمت شرق و ورود به حیطه‌خلوت روسیه انجام دهد تا با دستیابی به این هدف، ضمن جلوگیری از قدرت‌یابی روسیه بتواند نظم سیاسی موردنظر را نیز برای تثبیت هژمونی خود بر جهان به وجود آورد (Walt, 2014: 1)؛ اما روسیه که از اوایل قرن بیستم و یکم به‌واسطه اقدامات پوتین دوباره تبدیل به بازیگری بین‌المللی شده، با اطمینان مشغول احیای خود به‌عنوان قدرت جهانی است

^۱. Hydrocarbons

^۲. Hegemony

که بحران اوکراین و موفقیت در انضمام کریمه به خاک خود، نماد این مدعاست. این موفقیت و جلوگیری از عضویت اوکراین در نهادهای غربی و همچنین ناتوانی قدرت‌های غربی و در رأس آن آمریکا در مقابله با اقدامات روسیه در اوکراین، جایگاه و هژمونی آمریکا را به شدت با چالش روبه‌رو کرده است، چالشی که روسیه در سوریه نیز به آمریکا تحمیل کرد.

پیامد دیگر این بحران برای واشنگتن، نزدیکی بیشتر دو رقیب این کشور، روسیه و چین، در ابعاد مختلف به‌ویژه اتحاد مالی در راستای کنارگذاشتن دلار از معاملات بین خود بوده است. روسیه و چین دلارزدایی را اولین بار در ۲۰۱۴ بعد از تحریم روسیه به‌دلیل انضمام شبه‌جزیره کریمه، در اولویت قرار دادند. روسیه برای جبران و پاسخ به تحریم‌های اعمالی علیه خود، ابتدا سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه آمریکا را کاهش داد، سپس به‌دلیل نبود امکان برای آمریکا در مسدود کردن شمش طلا به‌مانند حساب بانکی، استراتژی خرید طلا را در پیش گرفت و در ادامه گسترش روابط در ابعاد مختلف با چین را در دستور کار قرار داد. در همین راستا، در ۲۰۱۴ روسیه و چین علاوه بر امضای توافق‌نامه در مورد انتقال گاز روسیه به چین به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار و همچنین قرارداد همکاری‌های نظامی (Kuznetsov (a), 2016: 15)، یک مبادله ارزی سه‌ساله به ارزش ۱۵۰ میلیارد یوان^۱ امضا کردند؛ این قرارداد در ۲۰۱۷ به‌مدت سه سال دیگر تمدید شد. نقطه عطف اتحاد مالی میان روسیه و چین در ۲۰۱۹ به وقوع پیوست؛ زیرا مسکو و پکن برای جایگزینی دلار با ارزهای ملی به توافق رسیدند که از این تاریخ به بعد در معاملات تجاری خود از ارزهای ملی دو کشور استفاده کنند. همچنین دو طرف با طراحی و راه‌اندازی سازوکار پرداخت توانستند جایگزینی برای شبکه سوئیفت^۲ به‌منظور تجارت با روبل و رنمینی ایجاد کنند. بعد از انضمام کریمه، واشنگتن تهدید کرد که ممکن است دسترسی روسیه به شبکه سوئیفت را قطع کند. تهدیدی که باعث شد روسیه شبکه سوئیفت روسی موسوم به «سیستم بین‌بانکی انتقال اطلاعات مالی و انجام پرداخت‌ها»^۳ را به‌منظور دورزدن شبکه سوئیفت در ۲۰۱۸ طراحی و عملیاتی کند که قرار است به شبکه سوئیفت چینی، موسوم به «سامانه پرداخت بین‌بانکی بین‌المللی چین»^۴ متصل شود (عبداللهی، ۱۳۹۹: ۱). علاوه بر تلاش روسیه برای پاسخ به تحریم‌های غرب، عامل دیگری که باعث این اتحاد و تسهیل آن شد به سیاست‌های تجاری آمریکا علیه چین برمی‌گشت. دولت ترامپ^۵ از

^۱. Yuan

^۲. Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication (SWIFT)

^۳. System for Transfer of Financial Messages (SPFS)

^۴. Cross-Border Interbank Payment System (CIPS)

^۵. Donald Trump

۲۰۱۸ تعرفه‌های صدها میلیارد دلاری بر کالاهای چینی وضع کرده که باعث شده است پکن علاوه بر واکنش متقابل به این اقدام آمریکا، به سمت نزدیکی بیشتر و اتحاد مالی با روسیه سوق پیدا کند، به گونه‌ای که سهم دلار در معاملات روسیه و چین تا قبل از انضمام کریمه به فدراسیون روسیه تقریباً ۹۰ درصد بود که این مقدار در سه‌ماهه اول ۲۰۲۰ به ۴۶ درصد کاهش پیدا کرده است. روسیه برای ضربه‌زدن بیشتر به آمریکا و تشویق چین به شتاب بیشتر در روند دلارزدایی، اقدام به ذخیره‌سازی یک‌چهارم از ذخایر رزمینی جهان کرده است. همچنین از اوایل ۲۰۲۰ کرملین سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه دولت چین را نیز شروع کرد (Simes, 2020: 1). تا با این اقدامات، ضمن تشویق پکن در به‌چالش کشیدن بیشتر رهبری اقتصادی جهانی واشنگتن، کنترل آمریکا بر فعالیت‌های اقتصادی جهانی را که از طریق تسلط این کشور بر شبکه سوئیفت اعمال می‌شود به‌ویژه در مبحث کنترل تحریم‌ها تضعیف کند. همچنین با تضعیف نقش دلار در اقتصاد جهانی به‌عنوان یکی از پایه‌های قدرت و هژمونی آمریکا، برتری این کشور در بعد اقتصادی را نیز با چالش روبه‌رو کند.

علاوه بر گسترش روابط با چین، پیامد دیگر این بحران برای آمریکا، گسترش روابط روسیه با ایران بوده، کشوری که به‌عنوان مخالف جدی سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی آمریکا در سطح جهان شناخته شده است. طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰، رؤسای جمهوری دو کشور هفده بار با یکدیگر ملاقات کرده‌اند. وزیر امور خارجه ایران نیز طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱، ۳۳ بار از مسکو بازدید کرده است (دویچه وله، ۲۰۲۱: ۱). روابط بین‌پارلمانی به‌طرز چشمگیری تقویت و گفت‌وگوهای نزدیکی نیز در سطح شورای امنیت دو کشور برقرار شده است. حاصل این نزدیکی علاوه بر توافق دو طرف برای رساندن همکاری‌های اقتصادی به ۷۰ میلیارد دلار (سنایی، ۱۳۹۸: ۱)، تاکنون در چندین مورد سیاست‌ها و اهداف منطقه‌ای و جهانی آمریکا را با چالش روبه‌رو و حتی ناکام گذاشته است. از پیامدهای نزدیکی دو کشور برای سیاست‌ها و اهداف آمریکا می‌توان به این موارد اشاره کرد: ناکامی اهداف آمریکا در سوریه توسط همکاری نظامی روسیه و ایران؛ تحویل سامانه پدافند موشکی اس-۳۰۰ به ایران به‌رغم مخالفت جدی آمریکا؛ همکاری مؤثر روسیه در به‌ثمر رسیدن برنامه راهبردی جامع اقدام مشترک^۱، برجام، در قالب گروه ۵+۱؛ مخالفت جدی روسیه با خواسته‌های خارج از مفاد برجامی آمریکا نظیر وتوی قطعنامه پیشنهادی آمریکا برای تمدید تحریم تسلیحاتی ایران همراه با چین؛ مخالفت با فعال کردن سازوکار ماشه^۲ توسط آمریکا و رزمایش‌های دریایی مشترک روسیه، چین

^۱. Joint Comprehensive Plan of Action

^۲. Snapback

و ایران در آب‌های اقیانوس هند و دریای عمان. در واقع یکی از پیامدهای مهم این بحران، فاصله‌گرفتن روسیه از غرب و ایجاد بلوک‌بندی با نزدیکی به دو کشور چین و ایران به‌عنوان کشورهای رقیب و مخالف غرب جهت به‌چالش کشیدن هژمونی آمریکا بوده است.

ناتو: انضمام شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه، باعث افزایش تنش میان روسیه و ناتو شد؛ زیرا این انضمام پیامدهای گسترده و زیادی برای این نهاد داشته است؛ از جمله: الف. انضمام کریمه به خاک روسیه باعث شد که ۳۶۰۰۰ مایل به قلمرو دریایی روسیه اضافه شود. امری که روسیه را بدل به همسایه دریایی رومانی، بلغارستان، گرجستان، ترکیه و اوکراین کرد (Biersack & O'lear, 2014: 258) و با توجه به عضویت رومانی، بلغارستان و ترکیه در ناتو و اتحادیه اروپا، روسیه می‌تواند تأثیرگذاری بیشتری بر این دو نهاد و همچنین سیاست‌های غرب‌گرایانه اوکراین و گرجستان داشته باشد.

ب. انضمام کریمه کنترل تنگه کرچ و دریای آزوف را برای روسیه به ارمنان آورد. این کنترل باعث دسترسی تضمین‌شده روسیه به آب‌های دریای سیاه شد، همچنین تسلط بیشتر روسیه بر کانال ولگا-دون^۱ را نیز برای این کشور به همراه داشت. کانالی که دریای خزر را به دریای آزوف پیوند می‌دهد. روسیه از کانال ولگا-دون برای جابه‌جایی کشتی‌های جنگی بین دریاهای خزر، آزوف و سیاه استفاده می‌کند. با تسلط کامل روسیه بر تنگه کرچ و دریای آزوف و در نتیجه تسلط بیشتر بر کانال ولگا-دون، توانایی انتقال کشتی‌های جنگی روسیه از منطقه خزر به دریاهای آزوف و سیاه و بالعکس افزایش یافته است (Coffey, 2020: 2-3). توانایی‌ای که به روسیه امکان داده است تا در صورتی که تهدیدی از طرف ناتو در هرکدام از این مناطق علیه امنیت و منافع این کشور به وجود آید از انعطاف‌پذیری و گزینه‌های بیشتر برای عکس‌العمل و مقابله برخوردار باشد.

ج. دسترسی به دو تنگه مهم و استراتژیک بسفر^۲ و داردانل^۳ مزیت دیگری بود که با انضمام کریمه و دسترسی تضمین‌شده روسیه به آب‌های دریای سیاه نصیب این کشور شد. این مزیت برای روسیه به‌معنی دسترسی به دریای مرمره^۴ و اژه^۵ و در نتیجه دسترسی به دریای مدیترانه^۶ است (یاری، ۱۳۹۹: ۴۸۶). این دسترسی به روسیه توانایی می‌دهد تا با تثبیت برتری

^۱. Volga-Don Canal

^۲. Bosphorus Strait

^۳. Dardanelles Strait

^۴. Sea of Marmara

^۵. Aegean Sea

^۶. Mediterranean Sea

دریایی و هوایی خود در اروپا، مقابله مؤثرتر با اقدامات ناتو در منطقه اوراسیا و همچنین تأثیرگذاری بیشتر بر مناطق هم‌جوار دریای سیاه و مدیترانه داشته باشد.

د. روسیه با انضمام کریمه توانست آزادانه و به‌دور از محدودیت‌های اوکراین، در پایگاه نظامی واقع در کریمه انواع کشتی‌های جنگی و تجهیزات زمینی و هوایی پیشرفته مجهز و نوین به ارزش بیش از ۲ میلیارد دلار قرار دهد. پایگاهی تمام‌عیار که مسکو را در موقعیتی برتر نسبت به ناتو در حوزه دریای سیاه قرار داده است؛ زیرا این پایگاه از یک طرف در درازمدت در توانایی ناتو برای محافظت از کشورهای عضو واقع در امتداد ساحل دریای سیاه نظیر ترکیه، بلغارستان و رومانی و همچنین کمک نظامی این سازمان به شرکای خود در منطقه محدودیت‌هایی ایجاد خواهد کرد و از طرف دیگر، این پایگاه به افزایش توان نظامی روسیه در مناطق مجاور مانند اروپای مرکزی، بالکان، قفقاز جنوبی، شمال آفریقا و خاورمیانه نیز که مورد توجه ناتو هستند، کمک شایانی می‌کند (Konarzewska, 2016: 1-2).

در مقابل، ناتو نیز در طول هفت سال گذشته تدابیری علیه اقدامات روسیه به کار گرفته است که باعث افزایش تنش و رقابت میان این دو در منطقه شرق اروپا شده و روابط دو طرف را به پایین‌ترین سطح پس از جنگ سرد رسانده است. این تدابیر شامل تعلیق نشست‌های سالانه و همکاری‌های نظامی و امنیتی خود با روسیه در آوریل ۲۰۱۴ (ابراهیمی و ببری، ۱۳۹۵: ۱۷)؛ تقویت حضور نظامی خود در منطقه شرق اروپا نظیر استقرار چهار گردان در لهستان و جمهوری‌های لیتوانی، لتونی و استونی؛ برگزاری رزمایش‌های سالانه با کشورهای حوزه دریای بالتیک،^۱ اوکراین و گرجستان در دریای سیاه؛ استقرار تجهیزات نظامی پیشرفته در کشورهای عضو واقع در این منطقه و تصمیم برای اعزام نیروی بیشتر به دریای سیاه در جهت مقابله با طرح‌های مسکو به‌منظور تسلط بر این پهنه آبی بوده که با واکنش روسیه روبه‌رو شده (NATO Parliamentary Assembly, 2018: 4)، به‌طوری که این کشور سعی کرده است در پاسخ به اقدامات ناتو، با برگزاری رزمایش‌هایی در دریای سیاه و بالتیک و افزایش بودجه نظامی خود به‌ویژه در بخش نیروی دریایی با توجه به دائمی‌شدن حضور روسیه در سواستوپول^۲ و کنترل تنگه کرچ، ضمن تبدیل‌شدن به قدرتی دریایی در جهت نقش بیشتر در ترتیبات امنیتی دریای سیاه، به مقابله مؤثرتر با اقدامات این نهاد در منطقه اوراسیا پردازد. در همین راستا روس‌ها در حال تقویت ناوگان خود در کریمه هستند و تاکنون دو اسکادران شکاری بمبافکن و نیز پیشرفته‌ترین تسلیحات موشکی از جمله موشک‌های ساحل به دریای

^۱. Baltic Sea

^۲. Port of Sevastopol

باستیون^۱، موشک‌های زمین به هوای پانتسیر-اس^۲ و سامانه پدافندی اس-۴۰۰^۳ را در بندر سواستوپول مستقر کرده‌اند تا این منطقه را به دژی مستحکم در برابر ناتو تبدیل کنند (Michalski & Bernat, 2020: 353-354). به‌طور کلی، از زمان انضمام شبه‌جزیره کریمه به خاک روسیه، روابط ناتو و روسیه به‌سرعت در حال افزایش تنش بوده و کانون این تنش و رقابت نیز دریای سیاه است.

نتیجه

هدف پژوهش حاضر، بررسی پیامدهای انضمام شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه و تحریم‌های متعاقب آن برای اوکراین، روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و ناتو با استفاده از گزاره‌های رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل در مورد کارایی تحریم‌ها بود. بر اساس گزاره‌های این رویکرد، به‌دلیل وابستگی متقابل میان کشورها، تحریم‌ها می‌توانند همانند شمشیر دو لبه عمل کنند که یک لبه آن به کشور تحریم‌شده و لبه دیگر آن به کشورهای تحریم‌کننده ضربه می‌زند و اگر کشورهای تحریم‌کننده در اعمال تحریم‌ها علیه یک کشور شرایطی نظیر برخورداری از حمایت بین‌المللی جهت نظارت و جلوگیری از نقض تحریم‌ها، تحمیل‌نشدن هزینه زیاد به کشور تحریم‌کننده و همچنین فقدان اپوزیسیون قوی در داخل کشور تحریم‌شده را در نظر نگیرند، تحریم‌ها نه تنها کارایی لازم را در دستیابی به اهداف نخواهند داشت، بلکه تبعات و پیامدهای تحریم‌های وضع‌شده دامن کشورهای تحریم‌کننده را نیز خواهد گرفت. وضعیتی که در مورد تحریم‌های اعمالی غرب علیه روسیه با توجه به وابستگی متقابل زیاد میان این کشورها به‌ویژه اتحادیه اروپا و روسیه و برخوردار نبودن تحریم‌های اعمالی از شرایط پیش‌گفته رخ داد و همان‌طور که مشاهده شد، تحریم‌ها نه تنها به اهداف مدنظر غرب منتهی نشدند، بلکه پیامدهای منفی بسیاری برای غرب به‌ویژه اتحادیه اروپا داشته‌اند. این تحریم‌ها اگرچه ضربه شدیدی به شاخص‌های کلان اقتصاد و اعتبار بین‌المللی روسیه وارد کرده‌اند؛ اما به‌دلیل وابستگی تعداد زیادی از اعضای اتحادیه اروپا به روسیه به‌خصوص در مورد واردات انرژی و همراهی نکردن کشورهای نظیر چین با این تحریم‌ها از حمایت بین‌المللی برخوردار نبوده‌اند و همچنین اپوزیسیون قوی در داخل روسیه جهت زیر فشار قراردادن دولت حاکم برای رفع تحریم‌ها نیز وجود ندارد؛ بنابراین، تحریم‌ها نه تنها نتوانسته‌اند اهداف مدنظر تحریم‌کنندگان را محقق کنند، بلکه پیامدهای منفی بسیاری برای اتحادیه اروپا نظیر شکاف میان اعضای اتحادیه

¹. Bastion Missiles

². Pantsyr -S Missiles

³. S-400 Defense System

در نحوه برخورد با روسیه و ازدست‌دادن بازار بزرگ روسیه داشته‌اند. همچنین انضمام شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه برای اوکراین، آمریکا و ناتو نیز پیامدهای منفی گسترده‌ای نظیر جدایی بخشی از خاک اوکراین و خسارات سنگین ناشی از آن، افزایش تنش و رقابت میان روسیه و ناتو در منطقه شرق اروپا، آمریکا و روسیه در منطقه خاورمیانه، به چالش کشیده شدن هژمونی آمریکا، اتحاد و نزدیکی بیشتر سه کشور روسیه، چین و ایران به‌عنوان سه رقیب و مخالف آمریکا داشته، به‌طوری که روابط روسیه و غرب را به پایین‌ترین سطح از زمان فروپاشی شوروی رسانده است. البته این کاهش به‌معنای فروپاشی کامل روابط و همکاری میان طرفین نیست. دو طرف در طول بحران در زمینه‌های مختلف نظیر برنامه هسته‌ای ایران، نابودی تسلیحات شیمیایی در سوریه و در افغانستان تا قبل از خروج ناتو همکاری داشته‌اند؛ بنابراین، اگرچه روابط با دوران قبل از شروع بحران فاصله زیادی پیدا کرده؛ اما نیاز به همکاری به‌طور کامل از بین نرفته است.

منابع و مآخذ

فارسی

- ابراهیمی، شهرز و نیکنام ببری، ۱۳۹۵، «روسیه و ناتو: از شراکت استراتژیک تا رقابت استراتژیک»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۲۲، ش ۹۶، صص ۲۴-۱.
- اعتصامی، سهیل و دیگران، ۱۳۹۷، «ریشه‌ها، آثار و پیامدهای رویارویی اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۱۴)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای - مطالعات اروپا، دانشگاه تهران: دانشکده مطالعات جهان.
- پرودان، یوری، ۱۳۹۳، «ضرر ۴۰ میلیارد دلاری اوکراین با ازدست‌دادن ذخایر گازی کریمه»، شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی شانا، قابل دسترسی در: <https://www.shana.ir/news/214833>
- جمالی، حمیدرضا و حسین خامسی‌پور، ۱۳۹۴، «الحاق کریمه به فدراسیون روسیه از منظر حقوق بین‌الملل»، *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، س ۷، ش ۲۴، صص ۳۳-۱.
- خبرگزاری شانا، ۱۳۹۳، «جهان گاز در سالی که گذشت»، قابل دسترسی در: <https://www.shana.ir/news/231638>
- دویچه وله، ۲۰۲۱، «محمدجواد ظریف در سفر خود به مسکو به دنبال چه بود؟»، قابل دسترسی در: <https://www.dw.com/fa-ir>
- زنده‌بودی، عباسعلی و دیگران، ۱۳۹۶، «روابط غرب-روسیه در سایه تحولات اوکراین ۲۰۱۴»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، س ۱۰، ش ۳۹، صص ۸۲-۵۹.

- سنایی، مهدی، ۱۳۹۸، «تحوالات مثبت سال‌های اخیر در روابط روسیه-ایران بسیار چشمگیر است»، خبرگزاری تسنیم، قابل دسترسی در:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/09/29/2163952>
- عبداللهی، موسی، ۱۳۹۹، «سوئیفت روسی؛ جایگزینی برای سوئیفت»، *دنیای اقتصاد*، قابل دسترسی در:
<https://donya-e-eqtasad.com/16/3668440>
- نیکنامی، رکسانا، ۱۳۹۴، «سنجش تأثیر و کارایی تحریم‌ها: مورد تحریم‌های اتحادیه اروپایی علیه روسیه»، *روابط خارجی*، س ۷، ش ۱، صص ۳۷-۷.
- ولیزاده، اکبر، ۱۳۸۷، «تحریم منع گسترش در تئوری‌های روابط بین‌الملل (نظریه‌های سه‌گانه: منافع، نهادها و هنجارها)»، *فصلنامه سیاست*، س ۳۸، ش ۲، صص ۲۹۸-۲۷۷.
- ولیزاده، اکبر، ۱۳۹۰، «رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی»، *فصلنامه سیاست*، س ۴۱، ش ۱، صص ۳۶۵-۳۴۹.
- یاری، احسان، ۱۳۹۹، «پوتین و الحاق کریمه به روسیه؛ واکنوی ژئوپلیتیک از اقدام روسیه در الحاق شبه‌جزیره کریمه»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، س ۵۲، ش ۲، صص ۴۹۹-۴۷۷.

لاتین

- Bank of Russia, 2020a, "External Debt of the Russian Federation", Retrieved from: https://www.cbr.ru/eng/statistics/macro_itm/svs.
- Bank of Russia, 2020b, "International Reserves of the Russian Federation (End of period)", Retrieved from: https://www.cbr.ru/eng/hd_base/mrrf/mrrf_m.
- Bank of Russia, 2021, "Ruble's Exchange Rates", Retrieved from: https://www.cbr.ru/eng/statistics/macro_itm/svs.
- Biersack, J. O'lear, S., 2014, "The Geopolitics of Russia's Annexation of Crimea: Narratives, Identity, Silences, and Energy", *Eurasian Geography and Economics*, Vol. 55, No. 3, pp.247-269.
- Carter, B., 1987, "International Economic Sanction: Improving the Haphazard US Legal Regime", *California Law Review*, Vol.75, No. 4, pp.1163-1202.
- Coffey, L., 2020, "Russian Dominance in the Black Sea: The Sea of Azov", *Middle East Institute*, Retrieved from: <https://www.mei.edu/publications/russian-dominance-black-sea-sea-azov>.
- Congressional Research Service, 2020, "US Sanctions on Russia", Retrieved from: <https://fas.org/sgp/crs/row/R45415.pdf>.
- European Union External Action., 2021, "European Union Sanctions", Retrieved from: https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage/423/sanctions-policy_en.
- Eurostat, 2019, "Imports, Exports and Trade Balance between the EU and Russia, 2009-2019", Retrieved from: https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/RussiaEU_%E2%80%93_international_trade_in_goods_statistics.
- Graaf, V. Colgan, J., 2017, "Russian Gas Games or Well Oiled Conflict? Energy Security and the 2014 Ukraine Crisis", *Energy Research & Social Science*, Vol. 24, No. 1, pp.59-64.
- Hillman, J. E., 2020, "China and Russia: Economic Unequals", Retrieved from: <https://www.csis.org/analysis/china-and-russia-economic->

- Rodríguez & Others, 2020, "Evolution of European Union's energy security in gas supply during Russia-Ukraine Gas Crises (2006-2009)", *Energy Strategy Reviews*, No. 30, pp.1-9
- Simes, D., 2020, "China and Russia ditch Dollar in move towards 'Financial Alliance'", *Financial Times*, Retrieved from: <https://www.ft.com/content/8421b6a2-1dc6-4747-b2e9-1bbfb7277747>.
- Statista, 2020a, "Value of Fuel and Energy Products Exported from Russia from 2015 to 2019", Retrieved from: <https://www.statista.com/statistics/1029431/russia-fuel-and-energy-export-value-by-source>.
- Statista, 2020b, "Leading Source Countries for Foreign Direct Investment (FDI) in Russia in 2019, by number of projects", Retrieved from: <https://www.statista.com/statistics/915431/leading-countries-investing-in-russia/>.
- Stern, J. Pirani, S. Yafimava, K., 2015, "Does the Cancellation of South Stream Signal a Fundamental Reorientation of Russian Gas Export Policy?", *Journal of Self-Governance & Management Economics*, Vol. 3, No. 2, pp.1-15.
- Tymchuk, H, 2020, *NATO and European Security in the East: The Impact of the Ukraine-Russia Conflict on NATO Doctrine and Ukrainian Strategy*, Charles University: Master's Thesis.
- Urcosta, R. B., 2018, *Russia's Strategic Considerations on the Sea of Azov*, Warsaw: The Institute of International Relations at Warsaw University.
- Walt, S., 2014, "Professor Stephen Walt on the Crisis in Ukraine", *Boston Global Forum*, Retrieved from: <https://bostonglobalforum.org/news-and-events/events/professor-stephen-walt-on-the-crisis-in-ukraine/>.